



انترناسیونال ۳۸۱

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۰ دی ۱۳۸۹، ۳۱ دسامبر ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

سردبیر: کاظم نیکخواه anternasional@yahoo.com Fax: 001-519 461 3416 جمعه ها منتشر میشود



پیام مینا احدی: حبیب لطیفی اعدام نشد زنده باد جنبش علیه اعدام

حبیب لطیفی اعدام نشد و این خیر مهم را میخواستم امروز به حضور تمام کسانی اعلام کنم که از دور روز قبل در تلاش برای نجات حبیب در سراسر دنیا به خیابان

صفحه ۲

دو واقعه مهم سال ۲۰۱۰

مصطفی صابر
سطح جهانی، مساله عروج ویکی لیکس؛ دوم، و بیشتر معطوف به سیاست ایران، مساله کمپین جهانی برای نجات سکینه محمدی آشتیانی. این دو واقعه بی تردید از خیرسازترین و برجسته ترین اتفاقات سال دو واقعه را قلم بگیرد: اول، و در

صفحه ۲



حبیب لطیفی اعدام نشد،
او باید فوراً آزاد شود

سال ابهام



کاظم نیکخواه

ماشین جنایت علیه زندانیان سیاسی را میتوانیم در هم بشکنیم

شهلا دانشفر
هفته ای که گذشت هفته اعتراضات وسیع علیه اعدام بود. اما نگاهی به لیست کسانی که در لیست اعدام های جمهوری اسلامی قرار دارند و کسانیکه این روزها توسط جانپان اسلامی

صفحه ۱۲

سال ۲۰۱۰ به پایان رسید. در این سال تحول بزرگ و عمیقی ظاهراً روی نداد اما در واقع تغییری بسیار مهم با عوارضی ناروشن شکل گرفت. و آن اینکه دنیای سرمایه در ابهام و نگرانی عمیق و بیسابقه ای فرو رفت. بویژه در غرب و ویژه تر در اروپا این فضای نگرانی از آینده را در همه جا امروز میتوان مشاهده کرد. سال ۲۰۱۰ با این تسکین شروع شد که "سقوط مالی ۲۰۰۸" که وحشت آن همه جا را فرا گرفته بود از کنار گوش مردم و سرمایه داران و دولتها گذشت و پمپاژ میلیاردها دلار از صندوق های عمومی، اقتصاد را از فروپاشی کامل نجات داد. مدیای بستر اصلی به یک باره گویی از وحشت آفرینی باز داشته شدند و به سوی امید آفرینی شتافتند و به این ترتیب سال ۲۰۱۰ با درجه ای شغف و امید تمام شدن بحران مالی سرمایه داری جهانی شروع شد. نه فقط این بلکه رسانه های رسمی و اصلی با روی کار آمدن اوباما در آمریکا و شماری دولتهای تازه در کشورهای مختلف، چشم انداز حل مناقشات بزرگ قرن از قبیل بحران فلسطین و اسرائیل، بحران جمهوری اسلامی، بحران افغانستان و عراق و حل مساله تروریسم اسلامی و امثال

صفحه ۳

اعدام های یارانه ای و حکومتی رو به موت

ناصر اصغری
حمل و نقل و فروش مواد مخدر اعلام کردند. جرم ۱۱ نفر از آنها ارتباط با جنرالته اعلام شد. برای یکی از آنها پاپوش جاسوسی برای اسرائیل دوخته شد و علی صارمی را هم بجرم هودارای از مجاهدین خلق و محاربه اعدام کردند. این اعدام ها

صفحه ۲

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

پیام رضا شهابی به مناسبت سال جدید میلادی به کارگران و تشکلهای کارگری در سراسر جهان
نامه اعتراضی رهبر حزب کمونیست استرالیا، به سفارت جمهوری اسلامی در کنبرا در حمایت از کارگران زندانی در ایران، صفحه ۶

بازتاب هفته

تنبیه بدنی چشم کودک ۷ ساله را گرفت

بهر روز مهر آبادی

شیخ سکولاریسم و انسانگرایی بر فراز سر حکومت

بهر روز مهر آبادی

درآمدهای صدها میلیاردی حکومت در عرض دو هفته

محمد شکوهی

صرفه جویی در زیر خط فقر

غلام اکبری

"۹ دی تظاهرات دولتی نیست!"

محمد شکوهی

صفحات ۵-۴

صفحات دیگر

شیبور سرنگونی سرمایه داری را به صدا در آوریم

یاشار سهندی، صفحه ۱۱

هفته اعتراض به حکم اعدام حبیب لطیفی و دستگیری اعضای خانواده او

(دوشنبه ۶ تا ۱۳ دیماه، ۲۷ دسامبر تا ۳ ژانویه ۲۰۱۱)، صفحه ۸

علی صارمی و علی اکبر سیادت اعدام شدند.

صفحه ۹

دستگیری اعضا خانواده حبیب لطیفی و تعدادی از فعالین شهر سنندج را محکوم میکنیم

صفحه ۹

کارگران لوله سازی اهواز ۲۰ ماه دستمزد طلبکارند!

صفحه ۷

تجمع کارگران کشت و صنعت کارون شوستر

صفحه ۷

صدای رضا شهابی باش! نگذار صدایش را خاموش کنند

صفحه ۱۱

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

دو واقعه مهم ...

از صفحه ۱

مصطفی صابر



منشأ آن اعتراض و ناراضیاتی کارگران و مردم جهان از فقر و فلاکت روبه گسترش، حکومت های پلیسی- تروریستی، سیاستمداران دورنگو و مافیای هایی که بر این جهان بردگی مزدی در آغاز دهه دوم قرن بیست و یک حکم میرانند.

اما کمپین دفاع از سکینه جلوه ای دیگر و به یک معنی فعالتر و مستقیم تر از همین ناراضیاتی و اعتراض عمومی به جهان موجود را به نمایش گذارد. میلیونها مردم جهان که یک سال قبلتر شاهد انقلاب و خیزش قهرمانانه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی بودند به دفاع از سکینه محمدی برخاستند که به سنگسار محکوم شده بود. در مدت کوتاهی یکی از ناشناخته ترین قربانیان جمهوری اسلامی چنان شهره جهان شد و به صدر اخبار رفت که نه فقط هنرمندان و ورزشکاران و سلبریتی ها که حتی روسای دولت ها نیز به حمایت از او برخاستند. سکینه و نجات او به یک امر جهانی و به مساله سیاست بین الملل تبدیل شد. برای اولین بار در کنار "مساله

هسته ای" و "رژیم پنج" و "جنگ" یک فاکتور جدید در میدیای وسیع و در سیاست جهانی بطور جدی مطرح شد: محکومیت سنگسار و رژیم سنگسار، دفاع از حقوق زنان و آزادی زندانیان سیاسی و غیره. بعبارت دیگر اگر ویکی لیکس گوشه هایی از جنایت ها و پنهانکاری دیپلماسی دول بورژوازی را افشاء کرد، کمپین جهانی دفاع از سکینه جلوه ای از دخالتگری علنی و فعال مردم در این دیپلماسی بود.

این دو واقعه مهم سالی که پایان می یابد، در عین حال تصویری از ۲۰۱۱ و دهه دوم قرن بیست و یکم را جلوی ما قرار میدهد. این تصویر که سرانجام در برابر جدال هولناک تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی که بعد از یازده سپتامبر جهان را در خون و دروغ و فقر و جهالت فرو برد، نیروی سومی قطعاً قدم به میدان گذاشته که دنیای دیگری را میخواهد. دنیایی نه فقط بدون سنگسار و اعدام و زندانی سیاسی، بدون دیپلماسی پنهان و ژورنالیسم نوکر، بدون حکومت های مذهبی و حکومت های پلیسی، بلکه دنیایی که اختیار آن دست خود انسان باشد و شادی و رفاه و آزادی و برابری بر آن حاکم باشد.

صدها و هزاران نفر در ایران و در سراسر در دنیا به پا خاستند و دستهایشان را بهم دادند و نگذاشتند که حبیب را اعدام کنند. ولی ما به همراه خانواده حبیب اعلام میکنیم جمهوری اسلامی باید رسماً اعلام کند که حکم اعدام حبیب را لغو میکند و ما باید مترصد باشیم و در سراسر جهان تظاهرات ها و اعتراضاتمان را ادامه دهیم تا وقتی که بطور قطع حکم اعدام حبیب لطیفی لغو شود.

ولی تا همینجا در شب گذشته یک اتفاق مهم افتاد و آنهم این بود که همه مردم دیدند اگر دست به دست هم دهیم، اگر اعتراض کنیم، اگر تظاهرات سازمان دهیم، اگر در مقابل در زندان ها تجمع کنیم میتوانیم مانع از قتل عمد دولتی و مانع از جنایات بیشتر جمهوری اسلامی بشویم. شب گذشته جنبش علیه اعدام یک قدم بزرگ به جلو

اعدامهای یارانه ای و ...

از صفحه ۱

ناصر اصغری



قرار است راه را برای خواب و خیال رژیم در قطع بی درد و سر یارانه ها هموار کند و جامعه ای ملتپه و در آستانه سربلند کردن دوباره و عاصی را مرعوب کند!

جمهوری اسلامی هر محاسبه ای در مورد "هدفمند کردن یارانه ها" برای خود داشته باشد، هر دلیل و برهان پوچ و کودکانه ای را به خورد جامعه بدهد، هر تصویر اقتصادی ای به خارج و سرمایه گذاران خارجی بدهد، اما در آخر مردمی که نانشان به گرو گرفته شده است و نسلی که با این رژیم سر و کله زده و خوب آن را می شناسند، یک نتیجه منطقی می گیرند: که این رژیم فقط برای پر کردن بیشتر حسابهای بانکی شان سفره مردم را خالی تر می کند. (در همین مدت بار دیگر گوشه کوچکی از دزدیهای آنها در حسابهای بانکی شان در بانکهای خارجی، از غارت و چپاول سران این رژیم و خوان یغمائی که به پا کرده اند در رسانه های خارج کشور و اینترنت افشا شد.) شعور هیچ انسانی در این جامعه به بازی گرفته نمی شود که گویا این رژیم دارد برای آرامش جامعه اعدام می کند؛ که برای رفاه و هدفمند کردن اقتصاد جامعه، قیمت نان و کرایه اتوبوس و آب و برق را بالا می برد. جمهوری اسلامی بانی و باعث اصلی ناآرامی، قتل و بزهکاری در جامعه

برداشت. ما نشان دادیم که اگر اعتراض کنیم میتوانیم جلوی ماشین جنایت جمهوری اسلامی را بگیریم. درس بزرگی که ما دیشب گرفتیم اینست که نه به اعدام باید متحذانه و همگانی باشد. نه به حکومت اسلامی اعدام باید متحذانه باشد. ما میتوانیم جلوی اعدامها را بگیریم. اعدام ستون اصلی حیات

است. بانی و مسبب اصلی اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر است. اقتصاد جامعه خراب است چرا که در وهله اول دزدی و بچاپ بچاپ برایشان اصل است.

اما دست به هرکاری بزنند، این حکومت به شهادت هر اتفاقی که در این جامعه می افتد، در حال رفتن است. رژیمی به شدت داغان که تنها امید و تکیه اش سرکوب و گله سرکوبگران است. جناح ها و باندهایش بشدت درگیرند و در حال متلاشی کردن بقایای یکدیگرند. رژیمی که مشروعیتش را از سرکوبش می گیرد در نزد نزدیکترین دوستانش هم ماندنش با نماندنش فرق زیادی نمی کند. این رژیم ظاهراً هنوز سرنگون نشده است اما در ذهن هیچ احدانسانی در این مملکت یک رژیم ماندنی و قابل اتکائی نیست. رژیمی است که در ذهن حکومت شوندگان سرنگون شده است. شاید بتوانند با دست زدن به چند قتل و اعدام دیگر دو روز دیگر برای خودشان وقت بخرند، اما فقط نفرت مردم این جامعه را نسبت به خود می افزایند. این حکومت به جامعه اعلان جنگ داده است. و جنگ یک حکومت به جامعه هیچگاه نتیجه اش به نفع حکومتها نبوده است.*

جمهوری اسلامی است. با جلوگیری از اعدام و با تلاش برای لغو کامل اعدام، در حقیقت داریم روز مرگ جمهوری اسلامی را نزدیک میکنیم. زنده باد جنبش علیه اعدام، مرگ بر جمهوری اسلامی (توضیح: این پیام اول بار روز یکشنبه ۵ دی از تلویزیون کانال جدید پخش شد)

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سال ابهام...

اینها را جلوی چشم بشر قرار داده بودند و امیدهایی را خلق کرده بودند. اما خیلی زود معلوم شد که هیچکدام از اینها واقعیت نداشته است.

بحران مالی که از اواخر ۲۰۰۷ و اوایل ۲۰۰۸ شروع شد، زنگ خطر یک زلزله عظیم اقتصادی و مالی را به صدا در آورد. بحث از بحرانی با عمق و وسعتی بسیار گسترده تر و تکان دهنده تر از بحران دهه ۳۰ میلادی بود که دهها میلیون نفر را بیخانمان کرد و به آوارگی کشاند و فقر و فلاکت و بیکاری و اعتیاد را به کنج خانه اکثریت مردم برد و جنگ دوم جهانی را بدنبال داشت. ابعاد و عمق بحران ۲۰۰۸ آنچنان عمیق و سنگین ارزیابی میشود که شماری از رسانه های بستر رسمی بحثشان این بود که سرمایه داری به آخر خط رسید و آلترناتیوی در چشم انداز وجود ندارد. تئوریسین های صاحب مکتب اقتصادی و استراتژیهای محترم اقتصادی، یک شبه سقوط کردند و تقبیح شدند. آلن گرین اسپن ریئس بانک مرکزی آمریکا از زمان ریگان و اقتصاد دان مبتکر تئوری پایان همیشگی بحران سرمایه داری به تلویزیون آمد و از اینکه واقعیتها را درست ندیده است معذرت خواهی کرد و رفت. میلتون فریدمن که با نفوذترین تئوریسین اقتصادی قرن بیست لقب گرفته بود و او نیز استراتژی اصلی اقتصادی ریگانیسم و تاجریسم بود، این خوشبختی را داشت که قبل از اینکه بحران فرا رسد در سال ۲۰۰۶ عمرش تمام شد. اما در سال ۲۰۰۸ بود که بهرمان تئوری "مونتاریسم" اش و تز مشهورش که "سیاست پولی میتواند جلوی بحران ها را کاملاً بگیرد" دوره اش سرآمد و دفن شد. مدرسه شیکاگو و تر عقل بازار آزاد و تقبیح دخالت دولت در اقتصاد نیز با این بحران در واقع به پایان عمر خود رسید. بزرگترین بانکها و موسسات بانکی و پولی آمریکا و اروپا دچار تکانهای شدید و مهلک شدند. اما با پمپاژ پولهای عظیم به سوی بانکها و موسسات مالی بزرگ این سقوط روی نداد. حباب اقتصادی که در حال ترکش بود و انفجار نزدیکش نفس ها را در سینه حبس کرده بود، با ترمیمیهای پولی بی سابقه همچنان برجای باقی ماند و همین باعث شد که نه فقط دولتها و سرمایه داران، بلکه مردم کوچه و بازار بدرجه ای تسکین یابند و امیدهای به حل مساله یابند.

از صفحه ۱

ماههای اول ۲۰۱۰ اینگونه بود و اینگونه تصویر میشد. اما خیلی زود معلوم شد که این تسکینی زود گذر بوده است. مشکل دولتهای قرض شروع به خود نمایی کرد. دولتهایی که برخی بیش از تولید ناخالص کشورهایشان مقروض بودند و هستند و هر سال بر قروضشان به ناگزیر افزوده میشوند. و قروضی که مردم با مالیاتهای سنگین تر و با از دست دادن تائیمات اجتماعی و با گرانی و با قدرت خرید های ضعیف تر باید آنها را بازپرداخت کنند. اما مساله فقط این نبود. شیخ بحران با از هم گسیختگی اقتصادی یونان و زیر سوال بردن اروپای واحد دوباره به صحنه بازگشت. ایرلند با بدهی های عظیم خود بدنبال یونان وارد صحنه شد. ایتالیا و اسپانیا و پرتغال و برخی کشورهای دیگر نیز که فاصله چندانی از یونان و ایرلند نداشتند بشدت زیر سوال رفتند. در آمریکا نیز سیاست "چنج" اوپاما همچون دیگر اسلاف دموکراتش پوچی خود را نشان داد. نه بحران های خاورمیانه و مقابله با تروریسم و مذاکره با جمهوری اسلامی و سرجای خود نشانند اسرائیل یک قدم پیش رفت و نه ایجاد اشتغال و بازگرداندن اعتماد به مردم در داخل. حتی قانون بیمه های درمانی که بعد از چندین ماه مباحثات بالاخره به تصویب رسید آنچنان از سروه اش زده شد که چیز چندانی از آن که برای مردم کوچه و بازار محسوس باشد باقی نماند. گرچه همین حدش هم بطورسبیلیک در آمریکای ضد هرگونه تاملین و رفاه بالاخره غنیمت است. در اروپا، اما اتفاقات مهمتری افتاد. اروپای واحد در اوان بحران اقتصادی بنظر میرسد که از این بحران چندان آسیبی ندیده است و این فضایی از اعتماد را در سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ متوجه این اتحادیه کرد. اما سقوط اقتصاد یونان در ماههای اول سال ۲۰۱۰ و بعد بحران ایرلند در ماههای آخر سال، به یک مرتبه کل این اتحادیه را زیر سوال برد. اکنون این سوال مطرح است که آیا اتحادیه اروپا میتواند سر پا بماند یا باید منحل شود. مجله اکونومیست در پشت جلد خود در اوایل همین ماه دسامبر طرحی را بچاپ رسانده بود که این اتحادیه را به صورت شخصی تصویر میکرد که دارد به سر خود گلرله شلیک میکند و زیر آن نوشته است "این کار را نکن!" بهررو سال ۲۰۱۰ با این نگرانی

تمام شد. امروز آنچه در جبهه سرمایه به چشم میخورد اینست که کشورهای "در حال پیشرفت" مثل چین و هند و برزیل شاید بتوانند سرمایه داری را نجات دهند. سال ۲۰۱۰ در عین حال سال پذیرش جهانی عروج چین و هند، و افول آمریکا بود. یک جمله ای این روزها به صورت ضرب المثل در آمده است که سرمایه داران به بچه هایشان میگویند "میخواهی موفق شوی برو شرق". عروج سرمایه داری چین و هند و بلرجاتی برزیل و روسیه (که به خاطر حروف اول اسمشان به کشورهای "بریک" مشهورند) یک واقعیت است. اما اینکه چگونه این کشورها میتوانند سرمایه داری را نجات دهند بهیچوجه برای استراتژیهای سرمایه داری روشن نیست. به همانگونه که سالها قبل بر اساس شیوه عملکرد سرمایه داری ژاپنی تئوریهای سطحی اقتصادی ساخته شده بود، اکنون هم تلاش میشود از فونکسیون سرمایه داری چین تئوری های عام استخراج شود. "سرمایه داری کنترل شده" نام این تئوری جدید است. اما همانطور که ژاپن نشان داد که نمیتواند الگوی سرمایه داری بی بحران باشد چین و هند و بقیه هم مشکلات و پیچیدگیهای خود را دارند و بهیچوجه پاسخی به اوضاع کنونی ندارند. شیفت قدرت از غرب به شرق خود عوارض غیرقابل پیش بینی و احتمالاً فاجعه باری میتواند بهرمان داشته باشد. از هم اکنون نگرانیهایی در مورد آینده سرمایه داری چین و هند نیز دارد ابراز میشود.

فقدان استراتژی، فقدان چشم انداز

یک نظر سنجی دیگر نشان میدهد که بخش اعظم مردم نسبت به آینده سرمایه داری بد بینند و فکر میکنند سرمایه داری به ته خط رسیده است. نگرانی مردم نیز در واقع از این واقعیت ناشی میشود که سرمایه داری اکنون به همانگونه که مملو موسی ناتوانی و فقدان استراتژی و بی افقی خود را نشان داده است و جهان را در آستانه تکانهای شدیدتری قرار داده است. اروپا در ماههای گذشته شاهد اعتصابات عظیم کارگری بود. در پاریس، رم، دوبلین آتن مادرید شاهد تظاهراتهایی صدها هزار نفره بودیم. در پاریس در یک روز بیش از یک میلیون نفر به خیابانها آمدند و دست به تظاهرات زدند. جنبشی برای دفاع از زندگی به جریان افتاده است. مردم میگویند ما حاضر نیستیم تاوان سیاستهای بانکداران را بدهیم. میگویند اگر ما یک هفته در پرداخت قسط بانکها تاخیر کنیم از خانه هایمان بیرون انداخته میشویم اما آنها وقتی فاجعه می آفرینند از پول ما میلیاردها جایزه میگیرند. این ها و نظیر اینها حرف مردم کوچه و خیابان است. همه کس میفهمد که یک چیزی اشتباه است. همه کس میداند که یک ایراد اساسی وجود دارد. نفس سرمایه داری زیر سوال بزرگی رفته است. جدالهای اجتماعی گسترده ای در راه است. این ویژگی بارز پایان سال ۲۰۱۰ است.

از سوی دیگر این فقط سرمایه داران نیستند که استراتژی ندارند. جنبش کارگری و اعتراضی نیز در غرب بطور بالفلع بی افق و بی پاسخ است. و این خلاتی جدی و خطرناک است. تظاهراتهای میلیونی فرانسه و یونان این دو کشور را به لیزه در آورد اما افقی را بروی کارگران و مردم نگشود. آنچه روشن بود این بود که تشکلهای و اتحادیه های موجود کارگری نیز خود در بن بست قرار گرفته اند که

کل سرمایه داری قرار گرفته است. نقدی که مردم به واقعیت دارند کاملاً یک نقد ضد سرمایه و کمونیستی است که از کل برنامه و خط و سیاست این تشکلهای بسیار فراتر میروند. آن میلیونها نفری که میگویند ما حاضر نیستیم تاوان اشتباه بانکداران و سرمایه داران را بدهیم و ما حاضر نیستیم زندگی مان را فدای نجات سرمایه کنیم، در واقع دارند پایه اساسی سرمایه را به نحوی کمونیستی به نقد میکشند. اما خلاء یک چپ و کمونیسم متشکل و اجتماعی و دخالتگر که بتواند پاسخ های روشنی به بحران کنونی در دنیای سرمایه داری بدهد، کاملاً مشهود است. این خلاء آنچنان خود را نشان میدهد که روزنامه های دست راستی سرمایه داری تیبتر میزنند "مارکس حق داشت" اما یک سازمان و حزب چپ و کمونیستی در غرب نیست که با همین پرچم مارکس در راس حرکتی قابل توجه قرار داشته باشد. یک سازمان چپ و کمونیست نیست که از فضای امروز سرمایه داری تکانی جدی خورده باشد. چپ موجود نیز بی افق و سردر گم است. چپ شناخته شده موجود در اروپا اسیر سننهای گذشته است و تنها چیزی را که نمایندگی نمیکند طبقه کارگر و مارکس و جنبش واقعا ضد سرمایه داری است. اوضاع کنونی دارد چپ واقعا مارکسی را به صحنه میکشاند. چپی که انسان امروز را بی کم و کاست نمایندگی کند. چپی که اعلام کند که اساس جامعه انسان و زندگی انسانی است نه سود و گردش سرمایه و حکم بازار. چپی که نشان دهد که این پاسخ همان سوسیالیسم مارکس است و بتواند بطور مملو موسی این باور را به میلیونها کارگران و مردم جهان تبدیل کند که بقول منصور حکمت "اساس سوسیالیسم انسان است و سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است" در یک کلام بتواند پاسخی مشخص و روشن و شفاف به اوضاع بدهد. سال ۲۰۱۰ در غرب با ابهام در دو جبهه سرمایه و نیروی ضد سرمایه به پایان رسید. سوال اینست که آیا سال ۲۰۱۱ میتواند این پاسخ و این راه و این استراتژی را به کارگران و مردم در سطحی اجتماعی عرضه کند؟ جهان امروز عمیقاً نیازمند چنین پاسخی است و در عین حال امروز به جایی رسیده است که خوشبختانه وسیعاً تشنه چنین پاسخی است. و این میتواند بطور عینی برای آینده راه گشا باشد. *

بازتاب هفته

شیخ سکولاریسم و انسانگرایی بر فراز سر حکومت



بهروز مهر آبادی

با این شیوه غیرممدبرانه و ضدکارشناسی که کشور اداره می شود، نتیجه ای جز سقوط در طالع آن متصور نیست. مسئولان نظام بنام دین آنقدر بد عمل کرده اند که اگر گفته شود در آینده شاهد نظام سکولار خواهیم بود، دور از انتظار نخواهد بود. "روز اول دی ماه سایت جرس این گفته ها را از قول علی اکبر هاشمی رفسنجانی نقل کرد که بنا به گزارش این سایت قبل از ماه محرم در جمع گروهی از آخوند ها و طلبه ها در قم مطرح شد. بر اساس این خبر رفسنجانی همچنین از تلاش های خامنه ای برای تدارک رهبری پسرش مجتبی و همچنین از لزوم تغییر در قانون اساسی جمهوری اسلامی صحبت کرده بود. مجمع تشخیص مصلحت این خبر را در سایت خود تکذیب کرد ولی هاشمی رفسنجانی در این مورد ساکت ماند.

علیرغم این تکذیب، انتشار این خبر توسط سایت جرس خبر از یک واقعیت می دهد. سایت جرس نماینده بخش "اصلاح طلب" رژیم است که در حال حاضر از حکومت کنار گذاشته شده است. این سایت خود را طرفدار "اسلام اصلاح طلبانه"، مروج ارزشهای قرآنی، تعلیم نبوی و آموزه های علوی معرفی می کند. اخبار منتشر شده در این سایت از منابع داخل حکومت است و نظرات و خواسته های بخش اصلاح طلب نظام را اعلام می کند.

انتشار این خبر بیان ترس از سقوط رژیم و نگرانی از جایگزینی یک نظام سکولار، در محافل وابسته به حکومت و جناحهای آنست. این واژه را برای یاران و همکاران سابق خود بیان می کنند و خواستار تعدیل و تغییر در قانون اساسی رژیم هستند. این ترس و نگرانی بهمان اندازه در باند خامنه ای و احمدی نژاد نیز هست، وحشتی که خود را در اعدام ها و سرکوب ها و با بسیج تمام ظرفیت سرکوب رژیم در مقابل مردم، نشان داده است. اختلاف

چنین اتفاقاتی ممکن است در همه جای کشور بیفتد و نباید به این موضوع ها دامن زده شود. از یک جهت می شود حق را به ایشان داد. توحش اسلامی در همه مدارس کشور خود را نشان می دهد و منحصر به یک مدرسه در شهر یاسوج نیست و آیناز خردسال هم اولین قربانی آن نبوده است. در آبانماه دانش آموزی در نیکشهر بر اثر تنبیه بدنی جان خود را از دست داد. دو سال قبل یک دانش آموز اهوازی بر اثر تنبیه با کابل برق به حال اغما رفت و از ناحیه کمر دچار آسیب جدی شد. در آزاد شهر گلستان یک دانشجوی دختر با سیلی تنبیه شد. بسیاری از صحنه های تعلیم و تربیت اسلامی توسط دانش آموزان مخفیانه فیلمبرداری شده و می شود آنها را روی سایت های مختلف اینترنت دید. صحنه های کتک زدن دانش آموزان با شلاق و کابل، صحنه رفتار سادیستی معلمی که در کنار در کلاس ایستاده و همه دانش آموزان را با لگد و مشت استقبال می کند و رفتار هستریک آخوندی که در سر کلاس دانش آموزان را زیر ضربات مشت و لگد گرفته است. اینها فقط نمونه هایی هستند که دانش آموزان امکان آن را یافته اند تا آن را ضبط کرده و در معرض دید همه قرار دهند. تنبیه کودکان به هر شدت و میزانی که صورت گیرد جرم است. چه در خانه و چه در مدرسه و چه در جرای دیگری. شکنجه و آزار کودکان تحت عنوان "تربیت"، همزاد تاریخ توحش است و اینکه هنوز در قرن بیست و یکم نیز در بسیاری جاها اعمال میشود تنها دلالت بر تداوم جهالت و توحش در زمان ما دارد و زندگی این انسانهای کوچک را مدام با وحشت و ترس آغشته میکنند. در ایران تحت حاکمیت جنایتکاران اسلامی که انسان و انسانیت و زندگی انسانی زیر چنگال وحوش حکومتی مدام لگدمال میشود، هیچ چیز طبیعی تر از تشدید کودک آزاری نیست. هر روز هزاران کودک نظیر آیناز مورد شکنجه و آزار قرار می گیرند و کسی با خبر نمی شود. اگر آیناز چشم خود را از دست نداده بود و این خبر در رسانه ها منعکس نمی شد، کسی با خبر نمی شد که در این دبستان کودکان هر روز مورد تهدید ضربات خط کش آهنین هستند. ظاهرا تنبیه بدنی در مدارس ایران غیر قانونی است اما حتی گزارش های منتشر شده در رسانه های ایران هم خبر از عادی بودن آزارهای جسمی و روانی به کودکان می دهد. کتک زدن، تحقیر

"۹ دی تظاهرات دولتی نیست!"

محمد شکوهی

جمهوری اسلامی که از ماهها پیش خودش را برای بزرگداشت "حماسه ۹ دی" آماده کرده و دهها اطلاعیه و فراخوان برای برگزاری این روز صادر کرده بود، روز چهارشنبه ۸ دی ماه از زبان قائم مقام "شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی" اعلام کرد: "بنا به اقتضای زمانی هیچ حرکت میدانی و راهپیمایی در روز ۹ دی نخواهیم داشت و اقدام به برپایی "شست های تحلیلی و آزاد اندیشی" در مساجد و مراکز فرهنگی خواهیم کرده و در نظر داریم "حماسه ۹ دی" را ثبت جهانی کرده و پیش از سی خیابان را به این نام نامگذاری بکنیم! آیا کسی هست که این "اقتضای زمانی" ای که باعث میشود جمهوری اسلامی تظاهرات خیابانی نداشته باشد را نداند چیست؟ واقعیت اینست که این حکومت یک نقطه ضعف جدی دارد و آن اینست که به دلیل روی کار آمدن بدنبال انقلاب ۵۷ و برای انقلابی جلوه دادن خود ناچار شد به شیوه خیابانی اتکا کند و اکنون که اکثریت عظیم مردم فعلا نه علیه آن به خیابان آمده اند و مترصد فرصتند که به خیابان بیایند این مساله به پاشنه آشیل جدی جمهوری اسلامی تبدیل شده است. از فراخوان دادن به تجمع میترسد چون سال ۸۸ را دیده است.

اما این نشستهایی که رژیم می گوید چه ها هستند و قرار است چکار کنند؟ این نشستهای حکومتی هم در واقع علنی نیستند. بلکه در مراکز بسیج و سپاه، و ارگانهای اطلاعاتی و امنیتی و وزارتخانه ها و به عبارتی در "مراکز امن حکومت" برگزار می شود. علاوه بر این نشستها، از چند روز پیش نیروهای حکومتی جمعیت کرایه ای را از سایر استانها به جماران آوردند تا خامنه ای برایشان سخنرانی کرده، از آنها عکس ها و فیلمهای تبلیغاتی تهیه کرده و آنها را برگردانند. ۸۰۰ اتوبوس از مناطق مختلف استانهای تهران و مرکزی و البرز راه انداخته و به قزوین بردند تا احمدی نژاد برای این جمعیت

و توهین بخشی از شیوه های سرکوب و مطیع کردن دانش آموزان در مدارس و در امتداد شیوه حکومت جمهوری اسلامی است. حکومتی که در خیابان ها اعدام می کند و اوپاش چماق بدست را به سراغ مردم می فرستد، حکومتی که هزاران معلم شریف را از کار بیکار کرده و بسیاری از آنها را بخاطر

کریه ای سخنرانی کند. این مجموعه اقدامات حکومت برای گرامیداشت "حماسه ۹ دی" بود. سران و مقامات بلند پایه رژیم در این مکانهای امن پای منبر رفته و اندر باب "خطرات فتنه و جنگ نرم" سخنرانی کردند. فرماندهان سپاه، بسیج، روسای ستاد نیروهای مسلح رژیم سخنرانیهای اصلی مراسم های حکومتی بودند. از جعفری فرمانده سپاه تا جزایری معاون فرهنگی نیروهای مسلح، تا مصلحی وزیر اطلاعات و سخنگویان دولت و آخوندهای حکومتی همه و همه اندر باب فتنه و خطراتش، "داشتن بصیرت" برای دفاع از ولایت خامنه ای، در میان "خودی هایشان" سخنرانی کرده و تلاش نمودند به صفوف خودشان روحیه داده و بگویند که برای حفظ حکومت جنایت و اعدام حاضر به هر کاری می باشند.

جمهوری اسلامی "حماسه ۹ دی" خودش را در هراس و وحشت از فضا و جو اعتراضی که در جامعه وجود داشته و موج می زند، از ترس به میدان آمدن مردم و خارج ساختن مراسم های حکومتی از دست مزدوران رژیم و تبدیل این مراسم ها به اعتراضات بر علیه حکومت، نظیر آنچه در ۶ دی سال ۸۸ صورت گرفت، گذراند. واقعیت این است که شیخ برآمد انقلابی سال گذشته مردم، جمهوری اسلامی را با کابوس سرنگونی و به زیر کشیده شدن بساط حکومتش هر روز هر لحظه تهدید کرده و خواب آرام را از سران آن ربوده است. در هراس از به میدان آمدن دوباره مردم، بساط اعدام ها را گسترده تر کرده اند و دستگیریها و هجوم به مردم افزایش یافته است. باین اقدامات می خواهند به مردم بقبولانند که هنوز بر سر کار هستند و می توانند به جنایات خود ادامه دهند. اما می دانند که در محاصره خشم و نفرت و انقلاب و اعتراض مردم گرفتار هستند و هر لحظه از ترس به میدان آمدن دوباره مردم، صدها بار مرده و زنده شده و به خود می پیچند. شمارش معکوس برای به گور سپردن بساط حکومت جانپان اسلامی مدتهاست که آغاز شده است. *

درخواست حقوق اولیه شان مورد ضرب و شتم قرار داده و زندانی کرده عملا مشوق و مروج تنبیه بدنی در مدارس است. این حکومت رواج دهنده خشن ترین و غیرانسانی ترین رفتار ها است. با وجود جمهوری اسلامی کودکان حتی در مدارس امنیت جانی ندارند. *

بازتاب هفته

درآمدهای صدها میلیاردی حکومت در عرض دو هفته



محمد شکوهی

نزدیک به دو هفته از اجرای طرح "هدفمند کردن یارانه‌های حکومتی گذشت و دولت و دست اندرکاران این طرح به همراه بانک مرکزی و وزارتخانه‌های مربوطه نشسته‌اند و دارند پولهایی که از سفره مردم بالا کشیده‌اند را می‌شمارند. محورا اصلی سخنان مقامات رژیم با آمار و ارقامی که ارائه دادند، اعلام "صرفه جویی" در بخش‌های مختلف اقتصادی و مصرف بعد از اجرای طرح‌های آب، برق و گاز با رعایت "الگوی مصرف" ۱۴ هزار تومان افزایش می‌یابد.

روایات رئیس ستاد سوخت حمل و نقل رژیم از "صرفه جویی" بیش از ۱۰۰ میلیارد تومانی در هزینه‌های مربوط به حذف حامل‌های انرژی خبر داده و تاکید کرد که علاوه بر پائین آمدن مصرف بنزین و گازوئیل، ترافیک شهری هم کم شده است! از این مقدار ۱۰۰ میلیارد تومان بر اساس تقسیماتی که در باندهای مختلف حکومتی صورت گرفته، درصد بندی ۳۰ به ۷۰، این ستاد مبلغ ۳۰ میلیارد تومان دست به نقد از این پول را بالا می‌کشد. ۷۰ درصد بقیه بین باندهای دیگر حکومت و مافیای لانه کرده در شرکت نفت و فرآورده‌های نفتی رژیم تقسیم خواهد شد. در خاتمه جناب رویاتیان اعلام کرده که مصرف بنزین و گازوئیل که روزانه ۶۰ میلیون لیتر در کشور بوده به زیر ۵۵ میلیون لیتر رسیده یعنی ۵ میلیون لیتر کمتر بنزین و گازوئیل مصرف شده است. که "صرفه جویی" خوبی می‌باشد.

سایت آفتاب نیورنوشست شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی با اعلام قیمت‌های جهانی مواد سوختی در منطقه خاورمیانه و درست کردن سند و مدرک دال بر افزایش قیمت‌ها برای نشان دادن پائین بودن قیمت مواد سوختی در داخل بر آمده و بدین ترتیب می‌خواهد به مردم بگوید که قیمت‌های انرژی در ایران از میانگین قیمت‌های منطقه

* فریزین سخنگوی طرح تحول اقتصادی دولت: در هفته اول هدفمند کردن یارانه‌ها ۸۸ میلیارد تومان "صرفه جویی" شده! یعنی دولت از قبل زدن یارانه‌ها ۸۸ میلیارد تومان درآمد داشته است

* نام‌جو وزیر نیرو: دولت از محل "واقعی کردن" ۲۵ و ۴۵ درصد از قیمت آب و برق، ۵۱۰۰ میلیارد تومان درآمد خواهد داشت. بر این اساس، وزارت نیرو ۳۰ درصد از درآمد ۶۰۰ میلیارد تومانی دولت از محل دریافت یارانه‌ها را برداشت خواهد کرد و ۷۰ درصد مابقی به

صندوق هدفمند کردن یارانه‌ها واریز خواهد شد.

* مدیرعامل شرکت ملی گاز: از روز ۲۸ آذر روز آغاز هدفمندی یارانه‌ها روزانه حدود ۱۵ میلیون دلار در بخش گاز صرفه جویی شده! یعنی هر روز معادل گاز یک فاز پارس جنوبی! با استناد به آمار در طول بیشتر از یک هفته دولت و شرکت ملی گاز بیش از ۱۰۰ میلیون دلار درآمد داشته است.

* در اقدامی دیگر وزارت نیرو و شرکت نفت و گاز اعلام کردند که قبض‌های آب، برق و گاز با رعایت "الگوی مصرف" ۱۴ هزار تومان افزایش می‌یابد.

* رویاتیان رئیس ستاد سوخت حمل و نقل رژیم از "صرفه جویی" بیش از ۱۰۰ میلیارد تومانی در هزینه‌های مربوط به حذف حامل‌های انرژی خبر داده و تاکید کرد که علاوه بر پائین آمدن مصرف بنزین و گازوئیل، ترافیک شهری هم کم شده است! از این مقدار ۱۰۰ میلیارد تومان بر اساس تقسیماتی که در باندهای مختلف حکومتی صورت گرفته، درصد بندی ۳۰ به ۷۰، این ستاد مبلغ ۳۰ میلیارد تومان دست به نقد از این پول را بالا می‌کشد. ۷۰ درصد بقیه بین

باندهای دیگر حکومت و مافیای لانه کرده در شرکت نفت و فرآورده‌های نفتی رژیم تقسیم خواهد شد. در خاتمه جناب رویاتیان اعلام کرده که مصرف بنزین و گازوئیل که روزانه ۶۰ میلیون لیتر در کشور بوده به زیر ۵۵ میلیون لیتر رسیده یعنی ۵ میلیون لیتر کمتر بنزین و گازوئیل مصرف شده است. که "صرفه جویی" خوبی می‌باشد.

سایت آفتاب نیورنوشست شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی با اعلام قیمت‌های جهانی مواد سوختی در منطقه خاورمیانه و درست کردن سند و مدرک دال بر افزایش قیمت‌ها برای نشان دادن پائین بودن قیمت مواد سوختی در داخل بر آمده و بدین ترتیب می‌خواهد به مردم بگوید که قیمت‌های انرژی در ایران از میانگین قیمت‌های منطقه

پائین بوده لذا هنوز افزایش قیمت‌های مواد سوختی جا دارد. یعنی افزایش بازم بیشتر قیمت مواد سوختی و یابا بردن باز هم بیشتر مواد سوختی! اما آمار و گزارشهایی از خود رسانه‌های داخل ایران گویای اینست که قیمت بنزین و گازوئیل در ایران از قیمت بین‌المللی آن بالا زده است در صورتی که درآمد مردم چندین برابر کمتر است.

طرح حذف یارانه‌ها جمهوری اسلامی را از بحران و از هم پاشیدگی اقتصادی نجات نخواهد داد اما جیبهای گشاد دست اندرکارانش را پرتر خواهد کرد و فقر و گرانی را برای مردم کمرشکن تر خواهد ساخت. از همین آمار درآمدها و صرفه جویی‌ها ما میشوید فهمید که چقدر از نان مردم کم کرده‌اند. چقدر قیمت خریدها را پایین کشیده‌اند و چقدر زجر و مشقت و محرومیت را برای کارگران و مردم فی الحال محروم شدت داده‌اند. معنای عملی حذف یارانه و آمار و ارقام نجومی از محل درآمد آن آشکارا به معنای تحمیل فقر و گرانی و فلاکت بیش از ۳۵ درصدی بر زندگی کارگران و مردم و تامین منابع مالی باز هم بیشتر در دست حکومت میباشد. حکومت با این نوع طرحها دارد اعلام میکند که تنها راه پایان دادن به فقر و فلاکت و بی حقوقی، جنایت و اعدام و سرکوب به زیر کشیدن کل بساط حکومت جمهوری اسلامی است. *

صرفه جویی در زیر خط فقر



غلام اکبری

"باید کار کنیم و مهم این است که کار مفید و موثر باشد. عنوان کار و شکل و شمایل کار اثری در پیشرفت کشور و جامعه ندارد و هر جا کار مفیدی صورت می‌گیرد آن کار ارزشمند است... زیباترین کار کشاورزی است، بالاترین کار کارگری است، مفیدترین کار در یک جامعه سخت‌ترین کارهاست. کدام انسان و فرد برای جامعه مفیدتر است، آن که

سخت‌ترین کارها و مسئولیت‌های جامعه را بر عهده بگیرد و تلاش و کوشش کند، متأسفانه سرمایه‌داران بی‌فرهنگ و استعمارگر می‌خواهند در کشورهایی مثل کشور ما یک فرهنگی را ترویج کنند که هر چه کار آسان‌تر و بی‌دردس‌تر باشد، آن کار بهتر است."

این صحبت‌های احمدی نژاد است که روز ۸ دی ماه خطاب به شونندگان کرایه‌ای یا ساندیسی در استان البرز گفته است. او در ادامه مردم را به صرفه جویی تشویق می‌کند: "در این چند روز که از اجرای این طرح می‌گذرد، حدود ۲۷ الی ۳۸ درصد مصرف گازوئیل در کشور کاهش پیدا کرده است و من در این راستا صمیمانه از همه ملت ایران تشکر می‌کنم و دست ملت ایران را می‌بوسم. در بخش گاز، بنزین و... ما شاهد این موضوع بوده‌ایم، البته تازه این طرح هنوز کامل اجرا نشده است و مردم روی غلتک صرفه جویی و مراعات نیفتاده‌اند." منطق قدیمی سرمایه‌داری دوباره از زبان رئیس جمهوری اسلامی تکرار می‌شود، سخت‌تر کار کنید و بیشتر صرفه جویی.

واقعا وقاحت از این بیشتر نمیشود. گاز و بنزین و گازوئیل را چندین برابر گران کرده‌اند و به مردم احسنت می‌گویند که به حرفشان گوش داده‌اند و کمتر مصرف کرده‌اند! صرفه جویی در زیر خط فقر یعنی مرگ و کارگران مردم برای زنده ماندن ناچارند شر این وحوش را از سر خود هرچه زودتر کم کنند. واقعا یک نفر هست که باور کند که اگر مصرف بنزین، گازوئیل و نفت طی این روزها کم شده است علتش این است که مردم زحمتکش "اسراف" نکرده‌اند؟ انگار قبل از اجرائی شدن

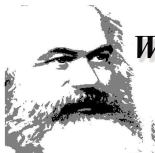
این طرح همه کارگران و کشاورزان زحمتکش جامعه اسراف می‌کردند و حالا متوجه شده‌اند که باید صرفه جویی کنند و هشدار می‌دهند که این تازه اول دوران صرفه جویی است. شاید رئیس جمهور باهوش فکر کرده، کارگری که حداقل حقوقش کمتر از یک سوم استاندارد دولتی زیر خط فقر بوده (حداقل حقوق ۳۰۰ هزار تومان و یک میلیون تومان خط فقر است) بعد از کار باک ماشین فقر است (بچه اش را میکند و می‌رود زن و خالص زن، فرزندان همین کارگران زحمتکش دیر زمانی است که از کمبود مواد غذایی و گرسنگی به خیابان زده‌اند و بجای تحصیل و بازی با فروش آدامس و فال حافظ و یا کار در کارگاه‌های نمور سرمایه‌داران، پوست و استخوانی بیش از شان باقی نمانده است. این اعتراف که از زبان شما اتفاقی بیرون زده است، عین حقیقت است. کارگران و دهقانان و زحمتکش جامعه تولید کنندگان اصلی و طبقات مفید هستند) به همین خاطر هم تمام دم دستگاه سرکوب و چماقدارستان را به خیابان آورده‌اید و هر روز برای ایجاد رعب و وحشت و به هر بهانه‌ای دست و پا قطع می‌کنید و آدم‌دار می‌زنید تا بتوانید جیب همکاران خود، آیت اله‌های میلیاردی و سرداران سپاه را پر کنید. امروز میخواهید با چاپیدن ثروت اجتماعی مردم جیب همپالکی‌هایتان را پر کنید و سهم کارگران و زحمتکش هم این است که کار کنند و صرفه جویی. جواب کارگران و مردمی که مجبور به "صرفه جویی" میشوند اینست که با انقلابشان و با اعصابشان از زندگی حقیرانه خود دفاع کنند. *

انترناسیونال

را بخوانید و وسیعا تکثیر و پخش کنید

Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب



WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiiran.org

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

اطلاعیه شماره ۷۷

حمایت های جهانی از کارگران زندانی در ایران گسترش می یابد

نامه اعتراضی رهبر حزب کمونیست استرالیا، به سفارت جمهوری اسلامی در کنبرا



ابراهیم مددی

رضا شهابی

منصور اسانلو



غلامرضا غلامحسینی



بهنام ابراهیم زاده

معتقدیم این راه درست دمکراسی و رهبر حزب کمونیست استرالیا
انسانی است که باید پیموده شود. کمپین برای آزادی کارگران زندانی
دی ۵ - ۸۸ - ۲۶ دسامبر ۲۰۱۰ دکتر حنا میدلتون

شرایطی وضع سلامتی رضا شهابی
وخیم تر شده است.

آزادی عملکرد اتحادیه ها، به عنوان
تشکلاتی که مسئول حفاظت از
سلامتی، ایمنی محیط کار، مزد و
دیگر شرایط کاری اعضایش است،
یکی از شواهدی است در یک جامعه
متمدن، جایی که کار زنان و مردان در
راس وظایف دولت است.

ما باور نداریم که جای آقای شهابی
و همکارشان منصور اسانلو و سعید
ترایان، باید در زندان باشد. ما اصرار
داریم که دولتتان آنها را آزاد نماید. ما

ما نگران وضعیت رضا شهابی،
یکی از رهبران سندیکای شرکت واحد
اتوبوسرانی تهران و حومه هستیم.
آقای شهابی از جولای ۲۰۱۰ در
بخش ۲۰۹ زندان اوین، زندانیست.
ما بر این باوریم که چهار ماه
زندانی ایشان تمام شده است. خانواده
ایشان وثیقه ای (پول) را که ملزم آزادی
رضا شهابی است، پرداخت کرده اند
ولی ایشان همچنان در زندانند و آزاد
نشده است.

بنظر ما حقوق طبیعی ایشان نقض
شده است. بهر حال، تحت چنین

دکتر حنا میدلتون، رهبر حزب
کمونیست استرالیا، نامه ای به تاریخ
۲۳ دسامبر ۲۰۱۰ به سفارت ایران در
کنبرا، پایتخت استرالیا، ارسال داشته
و در آن خواهان آزادی رهبران سندیکای
شرکت واحد شده اند.

متن ترجمه فارسی این نامه را که
توسط یکی از اعضای کمیته
همبستگی با جنبش کارگری ایران-
استرالیا انجام شده، میخوانید:

سفارت جمهوری اسلامی ایران- کنبرا
۲۳ دسامبر ۲۰۱۰
عاجلینجاب،

اطلاعیه شماره ۷۶

پیام رضا شهابی به مناسبت سال جدید میلادی به کارگران و تشکلهای کارگری در سراسر جهان

قدردانی از همبستگی جهانی با او و با
دیگر کارگران زندانی، از درون زندان
اوین پیامی داده است. در بخش پایانی
پیام رضا شهابی آمده است:
"امیدوارم روزی فرا برسد که ما با
آرامش و بدون جنگ و خونریزی در
کنار یکدیگر یک زندگی شرافتمندانه و

رضا شهابی ۷ ماه است که در
زندان است. جرم او شرکت در مبارزات
با شکوه کارگران شرکت واحد در سال
۸۴ و تلاش این کارگران برای ایجاد
تشکل خود، سندیکای شرکت واحد
است. اکنون در آستانه سال جدید
میلادی رضا شهابی در پاسخ و

انسانی داشته باشیم.

در پایان بار دیگر با تبریک سال
جدید میلادی آرزوی سلامت، موفقیت
و اتحاد برای تمامی کارگران تشکل
های کارگری را دارم و دست همه ی شما
را به گرمی میفشارم.

" (متن کامل پیام ضمیمه است).
رضا شهابی و همه کارگران زندانی باید
فورا از زندان آزاد شوند
"کمپین برای آزادی کارگران زندانی"
دی ۵ - ۸۸ - ۲۶ دسامبر ۲۰۱۰

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla_daneshfar@yahoo.com
00447779898968

شهلا دانشفر

bahram.soroush@gmail.com
0044-7852 338334

بهرام سروش

برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران
زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاگ ویژه
این کمپین سر بزنید.

<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

پیام رضا شهابی به مناسبت سال جدید میلادی

همکاران و کارگران به دلیل پیگیری
مطالبات خود و از جمله حق مسلم
تشکل خواهی تحت تعقیب اخراج
و حبس بوده ایم، کارگران و تشکل
های کارگری بسیاری از ما اعلام
حمایت کرده اند و مراتب اعتراض
خود را نسبت به رفتارهای انجام
شده علیه ما ابراز داشته اند. از جمله
در مدت بازداشت من و در دوره ی

کارگران و تشکل های کارگری در
سراسر جهان!

اکنون که در آستانه ی سال جدید
میلادی (سال ۲۰۱۱) قرار داریم
مایلم تبریک خود را بدین مناسبت
به تمامی شما عزیزان همکاران و هم
طبقه ای ها در هر جای دنیا که
هستید اعلام کنم.

در مدتی که من و دیگر

اطلاعیه شماره ۷۸:

مرتضی کمساری و علی اکبر نظری از زندان آزاد شدند

همه کارگران زندانی باید از زندان آزاد شوند

آنها، به خانواده هایشان، به سندیکای
شرکت واحد و به همه کارگران ایران
و جهان تبریک میگویم.
پرونده های تشکیل شده برای
مرتضی کمساری و علی اکبر نظری و
برای فعالین کارگری باید لغو شود.
تهدید و فشار بر روی فعالین کارگری
باید متوقف شود، فعالین کارگری ای
که بخاطر مبارزاتشان برای داشتن
تشکل و برای خواسته های برحقشان از
کار اخراج شده اند، از جمله کارگران
اخراجی شرکت واحد و اعضای هیات
مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه
باید فورا به سرکارشان بازگردند.
مرتضی کمساری و علی اکبر
نظری آزاد شدند، اما رضا شهابی،

بنا به خبر منتشر شده از سوی
سندیکای کارگران شرکت واحد
مرتضی کمساری و علی اکبر نظری
که در تاریخ های ۲ آذر و ۹ آذر
۱۳۸۹ بازداشت شده بودند، روز
چهارشنبه ۸ دی با تودیع کفالت از
زندانهای اوین و قزل حصار آزاد
شدند. ما آزادی این کارگران را به

Free jailed Iran unionist
Reza Shehaby

روز نیز موفق تر شویم و سرانجام
بتوانیم از مناسبات سرمایه داری
موجود عبور کنیم و به حق خود
برسیم.

امیدوارم روزی فرا برسد که ما با
آرامش و بدون جنگ و خونریزی در
کنار یکدیگر یک زندگی شرافتمندانه
و انسانی داشته باشیم.

در پایان بار دیگر با تبریک سال
جدید میلادی آرزوی سلامت
موفقیت و اتحاد برای تمامی

کارگران تشکل های کارگری را دارم
و دست همه ی شما را به گرمی
میفشارم. رضا شهابی کارگر زندانی
بند ۲۰۹ زندان اوین - تهران
دی ۵ - ۱۳۸۹ - ۲۶ دسامبر ۲۰۱۰

و زندانیان سیاسی باید از زندان آزاد
شوند.

"کمپین برای آزادی کارگران زندانی"
دی ۵ - ۸۸ - ۳۰ دسامبر ۲۰۱۰

منصور اسانلو، ابراهیم مددی و غلام
رضا غلامحسینی از کارگران
شرکت واحد و بهنام ابراهیم زادی
فعال کارگری و دفاع از حقوق کودک
هنوز در زندانند. همه کارگران زندانی

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

اساس سوسیالیسم انسان است!

تظاهرات مقابل سفارت جمهوری اسلامی در کپنهاگ در دانمارک علیه اعدام های اخیر و برای آزادی زندانیان سیاسی از زندان



کارگران کارخانه لوله سازی اهواز ۲۰ ماه دستمزد طلبکارند!

سراسری زودتر به پیروزی خواهد رسید. هیچ کارفرما و دولتی حق ندارد زندگی کارگران و خانواده های آنان را به بازی بگیرد! دولت و کارفرما باید فوراً دستمزدهای پرداخت نشده کارگران را بپردازند. در برابر این تهاجمی که به زندگی کارگران و کل جامعه وارد شده است، حرف کارگران و کل جامعه افزایش فوری دستمزدهاست. کارگران نه تنها دستمزدهای معوقه شان را میخواهند بلکه خواهان افزایش چندین برابر دستمزد خود نیز هستند. دستمزد کارگران باید حداقل و در گام اول همانطور که خوششان بارها برای آن طومار اعتراضی جمع کرده اند، یک میلیون تومان باشد.

حزب کمونیست کارگری از مردم شریف و آزادیخواه اهواز می خواهد که قاطعانه از کارگران لوله سازی حمایت کنند و همراه با آنان علیه وضعیت اسفناکی که به اکثریت مردم تحمیل شده است دست به اعتراض بزنند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرکز بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران

بازنشستگی خود هستند. مدیریت شرکت مرتب با وعده و وعید کارگران را سر میداند و مبارزات کارگران علیه این وضعیت ادامه دارد.

مسئولین دولتی در سال گذشته وعده واگذاری کارخانه به دولت و رسیدگی به وضع کارگران را دادند، اما بعد از مدتی دست به سر کردن کارگران، به آنها گفتند که در حال فروش سهام کارخانه به بخش خصوصی هستند و حالا مشخص شده است که این واحد تولیدی حدود ۲۶ میلیارد تومان بدهی بالا آورده است! چه مالکیت خصوصی، چه دولتی فرقی به حال کارگران نمیکند. کارگران دستمزدشان را میخواهند.

کارگران خواهان یک زندگی انسانی و بهبود شرایط کاری خود هستند. بدهی کارخانه ربطی به کارگران ندارد، کارگران کار کرده اند و باید فوراً دستمزدهایشان پرداخت شود.

باید در مقابل این زورگویی و تهاجم به زندگی و معیشت خود در ابعاد میلیونی به میدان آمد. کارگران کارخانه لوله سازی اهواز نمونه های خوبی از مبارزات متحد را داشته اند، این مبارزات قطعاً با پشتیبانی دیگر بخشهای کارگری و در سطحی

روز شنبه ۴ دی بیش از یکصد نفر از کارگران کارخانه لوله سازی اهواز در اعتراض به ۲۰ ماه دستمزد پرداخت نشده خود، در مقابل ساختمان حراست این شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند. این چندمین اعتراض جمعی کارگران لوله سازی اهواز طی ماههای گذشته است. ماه گذشته نیز کارگران این کارخانه برای دریافت دستمزدهای معوقه خود چندین ساعت در مقابل فرمانداری اهواز و استانداری خوزستان تجمع اعتراضی برپا کردند و مدتی قبل از آن نیز سیصد نفر از آنان در خیابانهای اهواز راهپیمایی اعتراضی برپا کردند.

زیر فشار اعتراضات کارگران بخشی از دستمزد کارگران پرداخت شده است و در حال حاضر کارگران رسمی ۱۶ ماه دستمزد و کارگران قراردادی بیشتر از ۲۰ ماه دستمزدهای خود را طلب دارند. تعدادی از کارگران قراردادی نیز طی این مدت اخراج شده اند و به جای آنان کارگران قراردادی با قراردادهای یکماهه استخدام شده اند. کارگران لوله سازی اهواز خواهان پرداخت همه طلبهایشان و تعیین تکلیف وضعیت

تجمع کارگران کشت و صنعت کارون شوشر مقابل سازمان تأمین اجتماعی خوزستان

جاری است. در چنین شرایطی کارگران ۲۰ تا ۳۰ سال کار میکنند و بهترین سالهای زندگی شان را پشت سر میگذارند، اما قراردادهایشان موقت و سفید امضا است. از داشتن بیمه و حتی استفاده از همان امکانات درمانی زیر استاندارد و غیر انسانی خود جمهوری اسلامی نیز محرومند. قانونی بر شرایط کارشان حاکم نیست، ماهها دستمزدشان به گرو گرفته میشود و ماهها حق بیمه آنها پرداخت نمیشود. تازه حداقل دستمزد کارگران نیز بعضاً حتی کمتر از میزان تعیین شده از سوی خود دولت است.

پایان دادن به قراردادهای موقت، پرداخت فوری دستمزدهای پرداخت نشده کارگران، برخورداری کارگران از شرایط ایمنی و بهداشت در حد استانداردهای امروز جهانی، حق استفاده کارگر از بیمه درمانی با استاندارد قابل قبول و انسانی، و در

به اینکه این کارگران فصلی هستند، سالهای قبل تا پایان خرداد ماه به کار مشغول بوده اند، ولی در حال حاضر شرکت کشت و صنعت کارون، برای این کار کاربرد گرفته که کارگران را به حال خود رها می کند. از جمله در حال حاضر دفترچه های بیمه این کارگران از سال ۸۸ تاکنون به صورت ۶ ماهه صادر می شود و با توجه به عدم اجرای قانون کارهای سخت و زیان آور در شغل آنان و نیز ناپیوسته بودن سوابق بیمه، سازمان تأمین اجتماعی هیچگونه بازرسی و بررسی در این زمینه ندارد. بر این اساس قرارداد کاری این کارگران به صورت سفید امضاء منعقد شده و هیچگونه نسخه قرارداد به آنها ارائه نمی شود.

شرایط کار و استخدامهای موقت سفید امضای کارگران کشت و صنعت کارون، شرایط کار برده واری است که امروز در بسیار از مراکز کار در ایران

به گزارش ایلنا روز ۷ دیماه بیش از ۳۰۰ نفر از کارگران کشت و صنعت کارون شوشر (کارگران نی بر دستی) در اعتراض به عدم محاسبه سابقه بیمه و عدم اجرای قانون کارهای سخت و زیان آور، در مقابل سازمان تأمین اجتماعی خوزستان تجمع کردند. بنا بر گزارش این کارگران ۲۰ تا ۳۰ سال است که بصورت قراردادی در شرکت کشت و صنعت کارون به عنوان نی بر اشتغال به کار دارند و در محاسبات سابقه بیمه معادل نصف برای آنها حساب میشود.

به گفته کارگران، در سال ۶۸ سه ماه بیمه برای آنان واریز شده و از سال ۶۹ تا ۸۷ هیچگونه حق بیمه ای برای آنها واریز نشده است. تنها در سال ۸۸ و ۸۹ زیر فشار اعتراض کارگران بیمه کامل برای کارگران که حدود ۱۵۰۰ نفر هستند، واریز شده است.

به گفته یکی از کارگران، با توجه

سازمان دهند. در برابر تعرضات هر روزه کارفرمایان و دولت به زندگی و معیشتمان باید با صفی متحد و سراسری بایستیم.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرکز بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران

۶ دی ۱۳۸۹، ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور
خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران
شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده

۰۰۴۶۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸
آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127
02 Skärholmen -
Sweden

زنده باد سوسیالیسم!

هفته اعتراض به حکم اعدام حبیب لطیفی و دستگیری اعضای خانواده او

(دوشنبه ۶ تا ۱۳ دیماه، ۲۷ دسامبر تا ۳ ژانویه ۲۰۱۱)

کمیته بین المللی علیه اعدام این هفته را (دوشنبه ۶ تا ۱۳ دیماه، ۲۷ دسامبر تا ۳ ژانویه ۲۰۱۱) بعنوان هفته اعتراض به حکم اعدام حبیب لطیفی و دستگیری اعضای خانواده او و سایر دستگیرشدگان در سنندج اعلام کرد و از همه مردم شریف در ایران و در سراسر جهان، از همه کسانی که خواهان لغو حکم اعدام حبیب و آزادی اعضای خانواده او و سایر دستگیرشدگان در سنندج هستند، از همه کسانی که خواهان آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده و آزادی زندانیان سیاسی هستند و به جنایات جمهوری اسلامی و اعدام و سرکوب اعتراض دارند، خواست که در سنندج، در کردستان، در ایران و در همه جای جهان با تمام توان دست به اعتراض بزنند. با برپائی تظاهرات در کشورهای مختلف تا امضای پتیشن و

ارسال نامه های اعتراضی، و با تجمع در مقابل زندان سنندج تا شعارنویسی در شهرهای کردستان و سایر شهرهای ایران و شعاردی شبانه برای آزادی زندانیان سیاسی و با هر اقدام دیگری که مقدور است در این هفته دست به اقدام بزنند. کمیته بین المللی علیه اعدام در این فراخوان بر لغو حکم اعدام حبیب الله لطیفی و آزادی فوری و بی قید و شرط اعضای خانواده او و همه دستگیرشدگان در شهر سنندج و لغو کلیه احکام اعدام و آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی زندانیان تاکید گذاشت. در پاسخ به این فراخوان روز سه شنبه ۲۸ دسامبر در شهرهای مختلفی چون، برلین و فرانکفورت در آلمان، اسلو در نروژ، پاریس در فرانسه، گوتنبرگ در سوئد، رم در ایتالیا، بروکسل در بلژیک، لندن در انگلیس،

گزارش تظاهرات مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در فرانکفورت آلمان علیه اعدام های اخیر و برای آزادی زندانیان سیاسی

محمد امین کمانگر
روز ۲۸ دسامبر ساعت دو بعد از ظهر دهها نفر از ایرانیان مقیم فرانکفورت و اطراف در اعتراض به اعدام علی صارمی و علی اکبر سیادت، و نیز در اعتراض به دستگیری اعضای خانواده حبیب لطیفی و سایر دستگیرشدگان سنندج و علیه اعدام های جمهوری اسلامی درمقابل کنسولگری جمهوری اسلامی دست به تظاهرات زدند. تظاهرات با شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد شروع شد و عکسهای حبیب و تعداد دیگری از زندانیان

سیاسی محکوم به اعدام بر روی اصلی لانه جاسوسی رژیم اسلامی کوبیده شد. مزدوران رژیم اسلامی جرات بیرون آمدن از لانه جاسوسی را نداشتند و هر کدام که ظاهر می شدند با شعار مزدور برو گم شو .. تروریست برو گم شو ، خود را مخفی میکردند. سرودهایی نیز توسط شرکت کنندگان در این تظاهرات خوانده شد. این حرکت اعتراضی بعد از دو ساعت پایان یافت و در همین رابطه تظاهرات دیگری از ساعت شش و نیم عصر شروع شد.



تصاویری از تظاهرات ۲۸ دسامبر در ونکور کانادا علیه اعدام



اسلامی قصد داشت یکی دیگر از زندانیان سیاسی به نام حبیب لطیفی را اعدام کند که خوشبختانه با کمپین قدرتمند و سراسری مخالفان اعدام این حکم بطور موقت لغو شد.

کمیته بین المللی علیه اعدام ضمن محکوم کردن آدمکشی جمهوری اسلامی همه مردم شریف و سازمان ها و نهادهای مترقی را فرا میخواند تا با اعتراض گسترده خود خواهان لغو مجازات اعدام و لغو حکم کلیه محکومین به اعدام شوند.

زنده باد زندگی
کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۶ دسامبر ۲۰۱۰

از فراخوان مادر و پدر بهنام ابراهیم زاده برای آزادی فوری بهنام و همه کارگران زندانی از زندان حمایت کنیم

تومانی تعیین کردند. با هر بدبختی بود آنرا تهیه کردیم. اما بهانه آوردند و گفتند که چون از شهرستان است قبول نمیکنیم و اسد ما را در زندان نگاهداشتند. اسد ما در اعتراض به ادامه بازداشتش در زندان و اذیتی که شده بود، حتی دست به اعتصاب غذا زد و دو هفته در اعتصاب بود و خونریزی معده داد، تا او را از بند ۲۰۹ اوین به بند عمومی ۳۵۰ منتقل کردند. بعد از آن قرار شد اسد را دادگاهی کنند و بالاخره در ۲۲ آذر پسر ما را دادگاهی کردند. حالا از وکیل پسرمان شنیده ایم که به او اتهام همکاری با مجاهدین خلق زده اند و متهم به محاربه شده است. این پاپوش دوزی برای اسد ما است. اینها همه کارگری-مقیم سوئد)

جمهوری اسلامی ۷ نفر را اعدام کرد

در حالیکه در بسیاری از نقاط جهان این روزها همه مشغول جشن و لذت بردن از زندگی در روزهای آخر سال میباشند، در ایران چوبه های دار جمهوری اسلامی فعالانه مشغول کار است و خانواده های زیادی را عزادار کرده است. بنا به گزارش رسانه های جمهوری اسلامی، ۷ نفر روز شنبه ۲۵ دسامبر توسط قوه قضائیه جمهوری اسلامی به دار آویخته شدند. براساس این گزارشات ۴ نفر در زندان کارون اهواز که این رسانه ها تنها به ذکر اسامی مخفف آنان اکتفا کرده به

از فراخوان مادر و پدر بهنام ابراهیم زاده برای آزادی فوری بهنام و همه کارگران زندانی از زندان حمایت کنیم

به همه انسانهای آزادیخواه و سازمانهای کارگری در سراسر جهان
ما مادر و پدر اسد ابراهیم زاده، (بهنام) کارگر زندانی هستیم. قبل از هر چیز به همه شما عزیزان در سراسر جهان سلام داریم و رسیدن سال جدید ۲۰۱۱ را تبریک میگوییم. از شما سپاسگزاریم که از پسر ما اسد، و از دیگر کارگران زندانی حمایت و پشتیبانی میکنید. اما بدبختانه کار تمام نشده است. اسد ما هنوز در زندان است. او را در ۲۲ خرداد دستگیر کردند و ۷ ماه است که در زندان است. او جرمی ندارد جز اینکه از حق کارگر، حق کودک و حق انسانها دفاع میکند. یکبار برای او وثیقه صد میلیون

دو عکس از تظاهرات علیه اعدام های اخیر و برای آزادی زندانیان سیاسی از زندان در برلین در آلمان



دو عکس از تظاهرات علیه اعدام های اخیر و برای آزادی زندانیان سیاسی از زندان در گوتنبرگ در سوئد



تظاهرات در استکهلم در سوئد



... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!



علی صارمی ۶۲ ساله و علی اکبر سیادت سحرگاه امروز در زندان اوین اعدام شدند.

سحرگاه امروز سه شنبه هفتم دی ماه ۸۹ برابر با ۲۸ ماه دسامبر، جمهوری اسلامی ایران دست به جنایت هولناک دیگری زد.

علی صارمی زندانی سیاسی ۶۲ ساله به اتهام همکاری با سازمان مجاهدین خلق و علی اکبر سیادت به اتهام "جاسوسی" برای اسرائیل، توسط جلاان در زندان اوین به قتل رسیدند. این جنایت بدون اعلام قبلی انجام گرفت و تنها خبری که فاشیستهای اسلامی حاکم بر ایران اعلام کردند، این بود که یک جاسوس اسرائیل به اعدام محکوم شده و علی صارمی را بدون اینکه به خانواده و یا وکیل او خبر دهند، مخفیانه از زندان رجایی شهر به اوین منتقل کرده و سحرگاه خونین روز سه شنبه امروز هر دو را اعدام کردند. خانواده علی صارمی تا لحظاتی

توانست روز یکشنبه حبیب را اعدام کند. اما به منزل حبیب یورش برد و بیش از بیست نفر را دستگیر کرد و اکنون وضعیت حبیب نیز ناروشن است. کمیته بین المللی علیه اعدام برای جلوگیری از قتل عمدی بیشتر حکومت جنایتکار اسلامی، از همگان دعوت میکند بهر طریق ممکن به این جنایات اعتراض کنند. ما یک هفته اعتراض به اعدامها و همبستگی با حبیب و دستگیرشدگان سندانج اعلام کرده ایم و بدین وسیله از همگان دعوت میکنیم که در ایران و در دنیا موجی از اعتراض علیه اعدامها راه انداخته و نگذارند حکومت جنایت پیشه اسلامی بیش از این از ما قربانی بگیرد. کمیته بین المللی علیه اعدام ۱۳۸۹، ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰

دستگیری اعضا خانواده حبیب لطیفی و تعدادی از فعالین شهر سندانج را محکوم میکنیم

با زندان از صبح روز یکشنبه بعد از ملاقات با حبیب قطع شده است و کسی از داخل زندان سندانج خبر ندارد. آخرین خبر از حبیب لطیفی مربوط به ملاقات او با خانواده اش در صبح یکشنبه است. فضای شهر سندانج بسیار نظامی و امنیتی است و حتی راههای منتهی به سندانج نیز فضائی غیر عادی دارد. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ضمن محکوم کردن یورش نیروهای مسلح رژیم به منزل خانواده لطیفی و دستگیری تعدادی از مردم سندانج، خواهان آزادی بی قید و شرط همه دستگیر شدگان و لغو حکم اعدام حبیب لطیفی است. ما از مردم سندانج میخواهیم که این خانواده را تنها نگذارند. با تجمع در مقابل دادگاه سندانج و به هر شکل دیگری که میتوانید خواهان آزادی همه دستگیر شدگان و لغو حکم حبیب بشوید. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۶ دیماه ۱۳۸۹، ۲۷ دسامبر ۲۰۱۰

روز یکشنبه ۵ دیماه به دنبال به تعویق افتادن اجرای حکم اعدام حبیب لطیفی در سندانج، موجی از خوشحالی مردم سندانج و همه کسانی را که سرنوشت این زندانی سیاسی را تعقیب میکردند فراگرفت. شب قبل از آن بسیاری از مردم بویژه جوانان بیدار بودند، خبرسانی میکردند و فضای رزمنده ای در شهر شکل گرفته بود. یکشنبه شب تعدادی از فعالین شهر سندانج و بستگان و دوستان حبیب برای همراهی با خانواده حبیب به خانه پدر او رفته بودند. ساعت نه و نیم شب حدود ۵۰ نفر از نیروهای انتظامی و امنیتی رژیم خانه حبیب را به محاصره در میاورند و به شکلی وحشیانه وارد خانه میشوند. مهمانان و اعضا خانواده را مورد ضرب و شتم قرار داده و با پاشیدن گاز اسپری یکی از خواهران حبیب همانجا بیهوش میشود. بقیه حاضرین در این جمع خانوادگی را دستگیر و با خود به مرکز حراست اطلاعات سندانج میبرند. طبق اخباری که از فعالین

لغو مجازات اعدام

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

از "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری

عکسی از آکسیون اعتراضی علیه اعدام های اخیر و برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران در آلتون در آمریکا



عکس هایی از تظاهرات علیه اعدام های اخیر و برای آزادی زندانیان سیاسی مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی هامبورگ در آلمان



شکست زود هنگام طرح هدمندی، و نتیجه ای جز وارد شدن فشار مضاعف به مردم بدون هیچ نتیجه و فایده نخواهد داشت. "سایت گویا" ما کمونیستها نیز هشدار دادیم که این طرح نه از ذهن بیمار شخص روان پریشی مانند احمدی نژاد که طرح کل بورژوازی است و باید در مقابل آن ایستاد. در انتهای این طرح اگر با موفقیت به سرانجام رسد جز تباهی کامل زندگی توده مردم چیزی در انتظار مردم نیست. هر چند ما همیشه تاکید کردیم اساسا بحران جمهوری اسلامی اقتصادی نیست بلکه سیاسی است و این عملیات انتحاری برای این است تا شاید این حکومت بتواند مقبولیت خود را به بورژوازی ثابت کند و نیز در صورت سقوط این دولت، هر دولتی بورژوازی دیگر سر کار آید این طرح را با نام دیگری، با بهانه های دیگری اجرا خواهد کرد. این خواهش و تمنا ها که سر کیسه را شل نکنید و در مقابل اعتصابات کوتاه نیایید از سوی اپوزیسیون (!!) است که خود را جنبش سبز ملت ایران معرفی میکند و نشان میدهد که اینها در نهایت همان هستند که احمدی نژاد امروز به نمایش گذاشته است.

برای جامعه هیچ راهی نمانده؛ در سویی فلاکت و تباهی و در سوی دیگر زندگی انسانی است. این دومی مستلزم این است بلافاصله جمهوری اسلامی سرنگون شود و نباید گذاشت آلترناتیوهای سیاسی دیگر بورژوازی در جامعه بازی را بدست گیرند. این هدف و تلاش رسوای کل جریانات بورژوازی که همگی شان بی پروا در جستجوی به فلاکت کشاندن بیشتر توده مردم تهیدست هستند فرصت مناسبی است که آلترناتیو سوسیالیستی ما کمونیستها مطرح شود و از سوی توده مردم بی شک مورد استقبال خواهد گرفت. این بظاهرسکوت مردم اصلا علامت رضا نیست (اگر سکوت بود نماینده های بورژوازی از سر کیسه شل کردن در مقابل اعتراضات سخنی به میان نمی آوردند) و این زمانی است که میتوان نماینده "نه" مردم شد و نه تنها سقوط جمهوری اسلامی را تضمین کرد بلکه شیپور سرنگونی نظام سرمایه داری در ایران با شعار معیشت و منزلت حق مسلم ماست، زندگی انسانی حق مسلم ماست به صدا در آورد. *

شیپور سرنگونی سرمایه داری را به صدا در آوریم

یاشار سهندی

در مقابل اعتراضها به گرانی عقب بنشینند. همگان اطلاع دارند طی دو روز اول اجرای حذف یارانه ها دولت در مقابل اعتراض کامیون داران و تاکسی داران و اتوبوس داران مجبور گشت برای يك ماه تا دو ماه گازوئیل و بنزین سهمیه ای را به قیمت قبلی عرضه کند. و دومین عقب نشینی هنگامی رخ داد که مرغداران تهدید کردند که دیگر به تولید گوشت مرغ نمی پردازند و دولت برای اینکه بیشتر از این قیمت مرغ بالا نرود ناچار شد کوتاه بیاید و گازوئیل را به قیمت ۱۶۵ ریالی در اختیار آنها قرار دهد. اینها نشانه شکست طرحی است که هنوز در ابتدای شروع آن است اما تهدید این کارشناسان فوق العاده جالب است که نشان میدهد که جامعه هیچ راهی ندارد که نظام سرمایه داری را سرنگون سازد. اینها میگویند: "شل کردن سر کیسه" به عقیده کارشناسان، بدترین کار ممکن است... دولت در حالی مرغ داران و کامیون داران را از عظیمای ویژه خود منتفع می کند که معلوم نیست در صورت ادامه ی اعتراضات در دیگر حوزه ها و از سوی بقیه ی اصناف، امکان چنین حاتم بخشی هایی وجود داشته باشد؛ و نیز مشخص نیست در صورت تداوم هزینه کرد منابع برای کنترل اعتراضات، تعهدات دیگر دولت از محل درآمدهای ناشی از حذف یارانه ها چگونه تامین خواهد شد.... دو روز پیش، سایت کلمه... هشدار داده بود که این گونه بی انضباطی های مالی در اولین روزهای اجرای هدمندی، غیرعاقلاانه ترین کاری است که دولت می تواند انجام دهد" و دیگر اینکه: "دیروز هم دکتر محسن رنانی، در یادداشتی ضمن تاکید بر توقف موقت انتقادات خود از طرح هدمندی، به دولت هشدار داده بود که: "به محض دیدن برخی فشارها و واکنش ها دست به عقب نشینی نزنند. طبیعی است که یک جراحی به این بزرگی با واکنش ها، اعتراضها و حتی اعتصابهایی همراه باشد. اگر دولت در يك حوزه عقب نشینی کند به همه حوزه ها پیام داده است که اگر مقاومت کنید من عقب نشینی می کنم. حال دو نمونه مواجهه دولت با کامیون داران و مرغ داران را باید نمونه هایی هشداردهنده ارزیابی کرد؛ چرا که ادامگی این روند، معنایی جز

احمدی نژاد با به صدا در آوردن نفیر حذف یارانه ها، شیپور فلاکت توده مردم تهیدست را به صدا در آورد و ظاهرا با این کار میخواهد آرزوی دیرینه بورژوازی ایران را عملی کند. از خرد و کلان بورژوازی سالهاست که معترض هستند که "قیمت واقعی" کالاها پرداخت نمیشود و بخصوص از اینکه پول برق، نفت، گاز، مخابرات و نان به زعم ایشان در ایران در "حد صفر" است گله مند بودند. و ظاهرا این باعث شده بود که ما مردم ایران در خانه محقر خویش عوض يك لامپ صد، دو تا لامپ صد به اضافه يك مهتابی روشن کنیم این هزینه روی دست "دولت محترم" میگذاشته. و گویا ما از اینکه تو دست و بالمان نفت ریخته و گاز به آسانی قابل دسترس ما بوده تو فکر این نبودیم که پنجره خانه مان را عایق بندی کنیم که از بالا و پایینش باد سر وارد نشود و انرژی هدر نرود. و چون نان ارزان (!) بوده اگر به يك دانه نان احتیاج داشتیم پنج تا نان تهیه میکردیم و از روی شکم سیری چهار تای آن بیات میشده و میگذاشتیم کپک بزند و که حتی نمیشده جلو چهارپایان ریخت. خوشی زیر دلمان زده بود و نعمت خدا را حرام میکردیم! دولت و کارشناسان محترم دولتی و غیر دولتی عقل هایشان روی هم ریختند و دیدند طرح کسی مثل میلتون فریدمن راهی است تا ما مردم "فرهنگ صرفه جویی در وجودمان نهادینه" شود... واقعا شرم بر این حکومت دزدان که فقر و فلاکت عمیق ما را مصرف گرانی میخواند و برای همان نان بخور و نمیر ما هم نقشه و طرح ریخته است که آنرا بالا بکشد. همه ما میدانیم اینان برای باقی مانده ته جیب ما و کشیدن آخرین رمق ما نقشه کشیده اند.

طرح "هدمندی کردن" که مطرح شد از صغیر و کبیر بورژواها برای احمدی نژاد کف زدند ضمن اینکه نگران بودند که او "مرد" اینکار نباشد و گویا این نگرانی ایشان بی جا نبوده است. سایت گویا از قول سایت کلمه که وابسته به میر حسین موسوی است گزارشی را نقل کرد تحت عنوان "دومین عقب نشینی دولت از هدمندی" و شدیداً ابراز نگرانی کردند که دولت نمی بایست

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۱۸۰۵۱

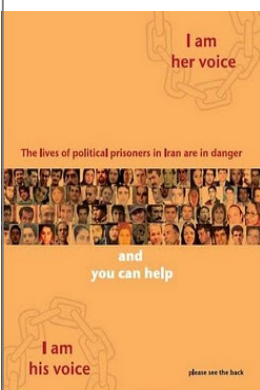
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

کمک مالی ماهیانه حوزه انترناسیونال ۶۸۰۰۰۰ تومان با قدردانی فراوان از کمک مالی منظم این دوستان به کانال جدید

کارت پستال کارزار "من صدای او هستم" کارزار کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی



۱۳۸۹ تا به امروز. اگر برای ما که آزادی بی قید و شرط رضا را و محاکمه متخلفین پرونده اش را از زندانیان تا قاضی را خواستاریم دلیلی برای شادی وجود داشته باشد، این است که رضا به اعتصاب غذایش خاتمه داده، این است که حمایت و پشتیبانی از فعالین کارگری در بند ایران، در سراسر جهان اوج می گیرد. همه فعالین کارگری باید فوراً آزاد گردند. رضا شهابی باید فوراً آزاد گردد. صدای رضا باش!

نگذار صدایش خاموش شود!

۲۳ دسامبر ۲۰۱۰ - ۲ دی ۱۳۸۹

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

اعتراض های کارگری در داخل اوج می گیرد و در خارج از ایران نیز حمایت از کارگران در ایران روز بروز وسیعتر میشود. اجلاس سازمان جهانی کار امسال را به خاطر دارید؟ یادتان هست که گروهی از فعالین کارگری، به رسم همه ساله خود را در روز افتتاحیه به سن سالن رسانند و با در دست داشتن تصویر فعالین کارگری زندانی، با بر افراشتن تصویر فعالین اعدام شده به حضور نمایندگان این قاتلان کارگران ایران اعتراض کردند؟

رضا را از ۲۲ خرداد با اتهامات مسخره ای که خون اتحادیه های جهانی کارگری را هم به جوش آورده است. بلا تکلیف در زندان نگاه داشته اند. رضا در اعتراض به بازداشت و بلا تکلیفی اش دست به اعتصاب غذای خشک زد. کمی بیشتر وثیقه سنگین تری برای آزایش تعیین کرده بودند. ۶۰ میلیون را به ۱۰۰ میلیون ارتقا دادند با این امید که رضا را همچنان در بند نگه دارند. و هنگامی که این مبلغ هم آماده شد این جانبیان هنوز از آزادی او خود داری کردند. رضا در تاریخ ۲۱ آذر پس از یک هفته اعتصاب غذای خشک، پس از آنکه او را به دلیل وخامت وضع سلامتی، به بهداری زندان منتقل کردند از بهداری زندان اعلان کرد به احترام همه انهایی که برای آزایش مبارزه میکنند، همه هقطارانش، همه کارکنان شرکت واحد، همه کارگران مبارز ایران به اعتصاب غذای خشک خود پایان میدهد. میتوانید شادی آن هزاران کارگر و صدها فعال کارگری در داخل و خارج از ایران را که رضا را میشناسند و نگران سلامتی او بودند را تصور کنید؟

البته رضا گفت که در اعتراض به این همه ظلم و جور اعتصاب غذای تر را ادامه خواهد داد.

سرانجام در تاریخ ۲۸ آذر ماه رضا را برای تعیین تکلیف و محاکمه به دادگاه اسلامی بردند. رضا و وکیلش و قلوب هزاران کارگر مبارز آنروز صبح در محاکمه ضد کارگری اسلامی حضور داشتند. کدام محکمه؟ کدام پرونده؟ تنها گفتند که بزودی محکمه دیگری تشکیل می دهند و به "اتهامات" او رسیدگی خواهند کرد. قبول دادند که امکان ملاقات او و وکیلش را هم در اوین فراهم میکنند تا رضا وکالت نامه اش را امضا کند همین! شرم هم نمیکند.

رضا امروز هنوز در زندان اوین و در انتظار تعیین تکلیف است. از خرداد

کارزار "من صدای او هستم" صدای رضا شهابی باش! نگذار صدایش را خاموش کنند

عباس مجرم است. نه رضا، بلکه میلیونها انسان شریف ایرانی مجرمند، و البته در بند زندانی به وسعت تمام ایران. "جرم" واقعی رضا هم این بود که کارگران به او اعتماد داشتند و او را به نمایندگی از خودشان گمارده بودند.

رهبر و فعال کارگری بودن، و این را رژیم اسلامی ضد کارگر از همه بهتر میدانند جرم نیست، اعتبار است، نشان از اعتماد توده های وسیع کارگران را به خود دارد. انتخاب شده است تا منافع انتخاب کنندگان را نمایندگی کند. تجلی اعتراض، تجلی دادخواهی است. نماینده کارگران بودن نشان مبارزه، و تشکل مبارزاتی کارگران است انتخاب شدن از سوی کارگران آنجا که آزادانه انتخاب میکنند هیچ کجا جرم نیست، افتخاری عظیم است، مسئولیتی گران است. این را رژیم اسارت و بی حقوقی میلیونها کارگر هم میدانند و البته باید پس از ۳۱ سال دانسته باشد که مشکل واقعی اش نه رضا و منصور و بهنام، بلکه میلیونها کارگری است که برای بقای خود راهی جز مبارزه ندارند، برای مبارزه باید متحد و متشکل شوند و بنابر این نیازمند رهبرند و لاجرم رهبر را هم میبایند، خلق میکنند.

مگر میشود آنجا که کارگر ۲۷ ماه است که کار کرده اما حقوق نگرفته، سفره اش بی نان و شکم فرزندانش خالی و پاهایشان برهنه، جلوی اعتراض و مبارزه و حق طلبی را گرفت؟ رضا شهابی و صدها و هزارها رهبر کارگری دیگر را این ضرورت می سازد و به جلوی صحنه میراند. اگر جرم است جرم رضا این است. گرفتن و زدن و بستن رهبران و نمایندگان کارگران درد رژیم را که دوا نمیکند، عرصه تازه ای برای مبارزه میافریند.

رضا شهابی که در تمام مدت زندانی بودنش به در بند بودنش اعتراض کرده را در تاریخ ۱۷ مهر ماه از اوین به دادسرای انقلاب اسلامی منتقل کرده و برای آزایش يك وثیقه ۶۰ میلیون تومانی تعیین کردند. جز این بهانه دیگری برای ادامه اسارتش نداشتند. ۶۰ میلیون تومان برای هر ایرانی شریفی مبلغ عظیمی است.

رضا تلفنی به خانواده اش گفته بود که وثیقه باید حد اکثر تا ۱۸ مهر به دادسرا تحویل داده شود و اینطور هم شد اما از آزادی به ازای وثیقه خبری نشد. این وضع را نمیتواند ادامه دهند.

رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران است. نمیتوانند این را علناً بگویند اما او را هم مانند اسانلو و مددی، همایون جابری، مرتضی کمساری، علی اکبر نظری و غلامرضا غلامحسینی به دلیل تلاش برای ایجاد تشکل صنفی کارگری و سازمان دادن اعتصاب باشکوه سال ۱۳۸۴ به بند کشیده اند. اتهام رضا هم مانند همبندانش دفاع از ابتدایی ترین حقوق کارگران است. این "اتهام" مسخره ایست که سازمان های کارگری جهانی را به صدا در آورده است. وحشیگری غیر قابل وصفی است که کارگران را در سراسر جهان به خشم آورده است.

رضا را در ۲۲ خرداد ۱۳۸۹ استگیر کردند. او در آن هنگام به دلیل صدمات جسم، درد شدید گردن و ناراحتی گوارشی در مرضی درمانی بسر میبرد. او را به بند ۲۰۹ اوین منتقل کردند گفتند که مدت بازداشتش دو ماه تمدید شده است! البته نه برای بازداشتش و نه تمدید آن دلیلی ارائه داده اند. نه رضا و نه وکیلش که معمولاً امکان ملاقات رضا را ندارد از محتویات این پرونده اطلاعی دارند. از جمهوری اسلامی که پس از ۳۱ سال جرم و جنایت در پرونده سازی و جعل پرونده نامی برای خود به همزده عجیب نیست که اصلاً پرونده ای در کار نباشد.

رضا شهابی را در ۲۲ خرداد سال جاری دستگیر کردند. نپرسید چرا! مگر کارگران دیگر را به چه جرمی دستگیر و زندانی کرده اند؟

مگر اتهام اسانلو چه بوده است؟ مگر به کدامین گناه بهنام ابراهیمزاده را گرفتند و بستند و زیر وحشیانه ترین شکنجه ها استخوان هایش را خورد کردند؟

همه میدانند و رژیم شکنجه و اعدام و گرسنگی طبیعتاً از همه بهتر میدانند اگر رهبر و فعال کارگری بودن، اگر محبوب کارگران و زحمتکشان بودن، اگر نان و آزادی را برای همه خواستن، اگر برای کودکان، مدرسه، برای دختران و پسران جوان شادی و خنده و شوخوبایی خواستن، اگر برای مهاجر "غیر قانونی" افغان حقوق برابر خواستن جرم است، فقط آنوقت رضا هم مجرم است.

رضا هم مانند بهمن، مانند منصور، مانند جهانگیر و سعید و



صابر رحیمی

اسلامی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، اعدام، شکنجه، زندان الغا باید گردد، و زنده باد آزادی و برابری با زبانه‌های فارسی و نروژی شور خاصی به تظاهرات داده بودند.

در این تظاهرات بیانیه‌های کمیته علیه اعدام در ارتباط با هفته اعتراض برای آزادی حبیب و دستگیر شدگان دیگر و بیانیه در ارتباط با اعدام و قیحه‌های علی صارمی و علی اکبر سیادت به زبانه‌های فارسی و انگلیسی قرائت شد. در پایان تظاهرات جمعیت با در هم شکستن حصار پلیس و با شعارهای کوبنده به طرف درب ورودی سفارت هجوم بردند اما نبره‌های وسیع پلیس مانع حمله به سفارت شدند.

گزارش تظاهرات در اعتراض به اعدام های اخیر و برای آزادی زندانیان سیاسی، در محل سفارت جمهوری اسلامی در اسلو در نروژ

به فراخوان کمیته بین المللی علیه اعدام تظاهرات پر شوری با شرکت جمع وسیعی از مخالفین رژیم اسلامی امروز در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در اسلو برگزار شد. در این تظاهرات که در هوای سرد و تاریک نروژ و در محاصره نیروهای پلیس برگزار شد، جمعیت تظاهر کننده با شعارهای کوبنده ضمن محکوم کردن اعدام جنایتکارانه علی صارمی و علی اکبر سیادت خواستار آزادی حبیب لطیفی و اعضای خانواده اش و دیگر دستگیر شدگان اخیر سندانج شدند.

در این تجمع که با حضور خبرنگاران و گزارشگران رسانه‌های نروژ همراه بود تظاهر کنندگان با شعارهای کوبنده مرگ بر جمهوری

رها کنیم. تجمعاتی که در مقابل زندان اوین داشتیم را دوباره در سطح گسترده تری برپا کنیم و خواهان آزادی تمامی زندانیان سیاسی از زندان شویم. تظاهرات های شبانه را با شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد از سر بگیریم.

دادستانی جمهوری اسلامی در تهران در مورد کارگران زندانی سندیکای شرکت واحد اعلام کرده است، "اتهام بازداشت شدگان سندیکای شرکت واحد امنیتی است". همچنین خبر میرسد که بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک با اتهام ساختگی فعالیت با سازمان مجاهدین و محاربه جاناش در خطر است. در برابر این یاهه گویی‌ها باید عکس العمل فوری نشان دهیم. کارگران شرکت واحد، کارگران نیشکر هفت تپه که رهبران احکام زندان گرفته اند، نقش مهمی در این مبارزه دارند. با اولتیماتوم به اعتصاب جلوی این تهاجمات را بگیریم. نیروی ما وسیع است. نیروی ما جهانی است. به نمونه کمپین جهانی برای نجات جان سکیته آشتیانی نگاه کنید که چگونه این رژیم را در سطح جهانی به چالش کشیده است. به همین اتفاقی که در همین هفته در مورد حبیب الله لطیفی و اعتراض جهانی به فرمان اجرای حکم اعدام او نگاه کنید. همه این اتفاقات نیروی عظیم ما را به ما نشان میدهد. با اتکا به این نیرو و متحد کردن صف مبارزاتمان جلو اعدام ها را بگیریم. جلوی احکام اعدام و زندان و همه این یک تازی های حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی را بگیریم و درب زندانها را باز کنیم. تمام زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند. همه کارگران زندانی باید از زندان آزاد شوند. حبیب الله لطیفی باید فوراً از زندان آزاد شود. به تظاهرات هایمان و مبارزاتمان برای آزادی زندانیان سیاسی از زندان ادامه دهیم.

تظاهر کنندگان خشمگین در اسلو پرچم جمهوری اسلامی را آتش زدند



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود



اف ای سی: ۵/۶
پلازایسیون: افقی
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰
روابط عمومی تلویزیون کانال جدید
۲۶ دسامبر ۲۰۱۰



ماشین جنایت علیه ... از صفحه ۱

شهبلا دانشفر

مقابل این تقل عمده دولتی ایستاده ایم، بلکه اکنون بحث بر سر اعدام انسانها تحت عنوان "محاربه با خدا" و "جاسوس اسرائیل" و غیره است. بحث بر سر جلوگیری پرونده های سیاسی در این اعدامهاست. جمهوری اسلامی سال گذشته فرزند کمانگر و ۴ زندانی همراه او را اعدام کرد و متعاقب آن شهرهای کردستان به اعتصاب عمومی کشیده شد و اعتراضی جهانی علیه این جنایت بر پا شد. امسال این رژیم در اوج استیصال باز دست به این سلاح برده است، چون تعرضی وسیع را تحت عنوان اجرای طرح "هدفمند کردن یارانه ها" به جامعه شروع کرده است و ترس از فتنه اقتصادی به کابوس شب

حکومت اسلامی دستور اجرای حکم اعدام حبیب الله لطیفی دانشجوی سال آخر رشته مهندسی صنایع در دانشگاه ایلام را که به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و محاربه به او حکم داده اند، را صادر کرده بودند. اما با اعتراضی گسترده جهانی و مبارزات جانانه صدها و هزاران نفر از مردم سندانج و سراسر جهان، رژیم نتوانست به پای اجرای حکم جنایتکارانه اش برود و حبیب الله لطیفی اکنون زنده است اما هنوز در زندان سندانج زیر اعدام بسر میبرد.

کل این اتفاقات نشان میدهد که امروز در یک مرحله تعیین کننده و خطیری برای مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی قرار داریم. اعتراض گسترده جهانی علیه اعدام حبیب الله لطیفی در واقع یک رویداد مهم و یک نمونه بارز از مبارزه ای است که مقابل حکومت باید بطور جدی و گسترده و فوری در پیش گرفت. هفته مبارزه برای لغو حکم اعدام حبیب الله که آنرا پشت سر میگذاریم، میتواند نقطه شروعی برای مبارزه ای قدرتمند و جهانی برای آزادی همه زندانیان سیاسی از زندان باشد. در ایران و در همه کشورها با مبارزاتمان و برپایی میتینگ های اعتراضی فریاد بزیم که حبیب الله لطیفی باید فوراً از زندان آزاد شود. اعلام کنیم که همه اعدام ها در ایران باید متوقف شود و تمامی احکام اعدام لغو شود. اعلام کنیم که همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند. به تجمعاتمان در مقابل زندان سندانج ادامه دهیم و نه تنها حبیب الله لطیفی را از زندان آزاد کنیم، بلکه تمام بازداشتگان در این زندان را از چنگ جمهوری اسلامی

پخش می کند. در حال حاضر کانال جدید در هر دو فرکانس جدید و قدیم پخش می گردد. از تاریخ ۱۱ دی ماه در فرکانس قدیم کانال جدید قابل دسترس نخواهد بود. فرکانس جدید تلویزیون کانال جدید را به اطلاع دوستان آشنایان خود برسانید. مشخصات جدید برای دریافت کانال جدید: فرکانس: ۱۱۶۰۴ ، هات برد: ۸

روزش تبدیل شده است و برای مقابله با طغیان میلیونی مردم، در حالیکه زیر منگنه اعتراضات مردم نفسش بریده است، دارد سراغ فعالین سیاسی میبرد و میخواهد با اعدام و کشتن برای خود وقت بخرد. امروز هم جمهوری اسلامی میدانند و هم مردم میدانند که جمهوری اسلامی در شرایطی نیست که کشتارهای سال ۶۰ و ۶۷ را تکرار کند. اما دارد آخرین تقلاهایش را میکند. در همین هفته جلالان اسلامی علی صارمی را که در مراسم گرامیادست یاد جانباختگان راه آزادی در سال ۸۵ در خاوران بازداشت شده بود، به اتهام فعالیت با سازمان مجاهدین اعدام کردند. علی اکبر سیادت را تحت عنوان جاسوسی برای اسرائیل اعدام کردند. دو نفر دیگر را به اسامی، زانیار مرادی و لقمان مرادی به عنوان اعضای "حزب کومله" حکم اعدام داده و ظاهراً گفته اند که میخوانند آنها را در ملاء عام اعدام کنند و زندانیان دیگری چون زینب جلالیان و غیره نیز در لیستشان هستند. در همین هفته نیز جانباختگان

اطلاعیه تلویزیون کانال جدید در باره تغییر فرکانس

به اطلاع عموم می رسانیم از تاریخ ۱۱ دی ماه ۱۳۸۹ برابر با اول ژانویه ۲۰۱۰ کانال جدید در فرکانس جدید پخش می شود.

کانال جدید در هات برد، شبکه KBC از ۱۰ و نیم الی ۱۲ و نیم هر شب به مدت ۲ ساعت برنامه

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!